

## Checking Place, Types of Simile in Terms of Structure, Shape, Contents and Theme in Parvin Etesami Divan's

S. Samsami<sup>1</sup>, R. Mirsadeghi<sup>2</sup>

### Abstract

Checking the Rhetorical Figures and How it Applies by The Poet for Understanding Exact and Principled Poetry of Each Poet is Necessary, Because the Poetic Figures are Important Parts of Making Style Which Frequency and How to use These Figures in Poetry of Each Poet, Make Individual and Unique Style of Poet. Simile is one of the Most Important and Pivotal Element in the Realm of Rhetoric and it Indicates The Breadth of Mind and Point of View of Poet. Parvin Etesami is one of the Poets that Simile has Special Place in her Poem, and Divided into two Categories of Compacted and Widespread. This Paper Pays to Checking Place, Types of Simile in Terms of Structure and Shape, and Contents and Theme in her Poem. Research Method Was Descriptive Analysis, and the Data Have Been Checked by Content Analysis Method. And at The end, They Have Been Shown in the Chart. The Result of Paper, it is Significant That Variety at the Same Simplicity and High Frequency of Sensory Sensation Simile and Strenuous Simile Caused That Parvin Etesami's Poems, in Addition to Charm and Pleasant and Being Realizable and Understandable.

**KeyWords:** Parvin Etesami, Simile, Poems, Frequency.

## بررسی جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار، شکل، مضمون و محتوا در دیوان پروین اعتصامی

سمیرا صمصامی<sup>۱</sup>، سیدرضی میرصادقی<sup>۲</sup>

### چکیده:

بررسی صناعات بلاغی و چگونگی کاربرد آن از سوی شاعر برای فهم دقیق و اصولی شعر هر شاعر لازم و ضروری است، زیرا صناعات شعری از جمله لوازم مهم سبک‌سازی هستند که بسامد و چگونگی نوع استفاده از این صناعات در شعر هر شاعر، سبک فردی و منحصر به او را می‌سازد. تشبیه یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین عناصر در حوزه علم بلاغت و نشان‌دهنده وسعت خیال و زاویه دید شاعر است. پروین اعتصامی از شاعرانی است که تشبیه در دیوان او جایگاه ویژه‌ای داشته و به دو دسته فشرده و گسترده تقسیم می‌شود. مقاله حاضر نیز به بررسی جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار و شکل و مضمون و محتوا در دیوان ایشان می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوا بررسی و در پایان به شکل نمودارهایی نشان داده شده‌اند. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که تنوع در عین روانی و سادگی و بسامد بالای تشبیهات حسی به حسی و تشبیهات بلیغ موجب شده که اشعار پروین اعتصامی علاوه بر جذابیت و دلنشین شدن و به راحتی قابل درک و فهم شوند.

کلیدواژه: پروین اعتصامی، تشبیه، اشعار، بسامد.

1. M.A Persian Language and Literature.  
2. Assistante Professore of Persian Language and Literature, Zanjan University.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول).  
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان.

## مقدمه

ویژگی‌های سبکی هر شاعر را بر پایه ساختار زیباشناسی آن شاعر ارائه داد.

## پیشینه پژوهش

پروین اعتصامی شاعر بلندآوازه معاصر ایرانی از زنان پرکار در نوع خود به شمار می‌رود. دیوان او گواه عادلانه بر ادعای سخن‌شناسان و سخن‌سنجان است. بیشتر سخن‌سنجان او را جزء شاعران بزرگ محسوب داشته و هر یک از دیدگاهی سروده‌های او را مورد مطالعه قرار داده‌اند که بیشتر از جنبه محتوایی و بُعد تعلیمی بوده است. از آنجایی که در دو دهه اخیر مقاله‌هایی در حوزه بلاغت و به ویژه تشبیه در آثار ادبی بزرگان ادبیات کلاسیک و معاصر، توسط پژوهشگران عرصه ادب فارسی، صورت گرفته، درباره تشبیه در دیوان پروین اعتصامی تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین، در این پژوهش برای نخستین بار، به بررسی جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار، شکل، مضمون و محتوا در دیوان پروین اعتصامی پرداخته شده است که از این منظر اثری مستقل و نو به حساب می‌آید.

## شیوه پژوهش

در این مقاله ابتدا تمامی ابیات دیوان پروین اعتصامی مورد بررسی قرار گرفته و سپس نمونه‌های تشبیهی آن استخراج گردیده است. سادگی و روانی کلام پروین و آشنایی جامعه ادب با تصویرسازی‌ها و زیبایی‌های ادبی متون ادبی و کتاب‌های بلاغت، ما را بر آن داشت تا به منظور پرهیز از طولانی شدن این مقاله، از ذکر و توضیح شاهد مثال‌های متعدد صرف نظر کنیم، به طوری که ابتدا تعریفی جامع از هر عنصر تشبیهی پرکاربرد دیوان پروین به همراه یک یا چند شاهد مثال از دیوان پروین ذکر شده و در پایان برای هر کدام نموداری ارائه گردیده است.

پروین اعتصامی با نام اصلی «رخشنده» در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ هجری شمسی، مطابق با ۱۵ مارس ۱۹۰۷ در تبریز زاده شد. او فرزند یوسف اعتصامی، نویسنده و مترجم معاصر ایرانی و اخترالملوک اعتصامی، از شاعران دوره قاجاریه و متخلص به «شوری» بود. (نمینی، ۱۳۶۲: ۱۸۴) وی در قالب‌های مسمط، غزل، مثنوی، قصیده و قطعه طبع‌آزمایی کرد. غلامحسین یوسفی درباره پروین می‌نویسد: «در تاریخ ادب فارسی، پروین اعتصامی در میان زنان سخنور، شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر از بسیاری مردان شاعر نیز والاتر است». (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۱۳)

اصلی‌ترین سؤال در این پژوهش این است که جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار و شکل و مضمون و محتوا و بسامد آنها در دیوان پروین اعتصامی چگونه است؟

## ضرورت تحقیق

فن تشبیه یکی از عناصر مهم در دیوان پروین اعتصامی است که باعث خلق تصاویر شاعرانه و مضامین نغز و ظریف گردیده است. با مطالعه دقیق این اشعار می‌بینیم که وی در بیان اندیشه‌ها و احساسات درونی خود به طرق مختلف از این عنصر و ارکان آن به زیبایی سودجسته است.

با توجه به اهداف کاربردی این پژوهش به نظر می‌رسد که انجام پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند راهگشای درک هر چه بیشتر مفاهیم و مضامین متون ادبی باشند. در ضمن با یافتن مصداق‌های این مباحث در متون مختلف می‌توان فرهنگ جامعی از آنها ترتیب داد که با مقایسه این مصادیق تشابه و تفاوت‌های شیوه‌های شاعران را به دست آورد و ابداعات آنها را در خلق مضامین شعری تشخیص داد و در یک بحث کلی،

### بررسی تشبیه در اشعار پروین اعتصامی

تشبیه در لغت، مانند کردن چیزی است به چیز دیگر در یک یا چند صفت است. اما در اصطلاح علم بیان، تشبیه، ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت. (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۵) از نظر دکتر شمیسا تشبیه «مانند کردن چیزی به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق؛ یعنی ادعایی باشد نه حقیقی». (شمیسا، ۱۳۸۵: ۶۶ و ۶۷)

### ارکان تشبیه

ارکان تشبیه چهار است:

مشبه: آنچه که مانند می‌شود؛

مشبه‌به: آنچه که بدان مانند می‌کنند؛

وجه‌شبهه: صفت یا وجه مشترکی که بین مشبه و مشبه‌به وجود دارد؛

ادوات تشبیه: واژه‌هایی که شباهت را به وسیله آن نشان می‌دهند. (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۶)

از میان پایه‌های چهارگانه تشبیه، دو پایه مشبه (واژه، گروه یا جمله‌ای که به چیزی مانند می‌شود) و مشبه‌به (واژه، گروه یا جمله‌ای که مشبه را بدان تشبیه می‌کنند) پایه‌های اصلی تشبیه را تشکیل می‌دهند. هر تشبیه‌ی بر این دو پایه استوار است و حذف یکی از آن دو، تشبیه را به استعاره تبدیل می‌کند؛ اما دو پایه دیگر، یعنی ادوات تشبیه و وجه‌شبهه، اصلی نبوده و گاهی از ساختمان تشبیه سترده و گاهی در آن آورده می‌شوند. (عقدایی، ۱۳۸۱: ۲۵ و ۲۶)

نمونه‌ای از دیوان پروین اعتصامی:

ز هر باد، چون گرد منما بلندی

که پست است همت، بلند آسمان را

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۶)

مشبه: انسان؛ ادوات تشبیه: چون؛ مشبه‌به: گرد؛

وجه‌شبهه: بلندی.

در این مقاله پیام‌ها و تصاویر در حوزه تشبیه در دیوان پروین اعتصامی از دیدگاه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) ساختار و شکل

#### ۱. تشبیه از جهت فشردگی و گستردگی

بسیاری از پژوهشگران تشبیه را از جهت فشردگی و گستردگی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در این نگرش کوتاه‌ترین شکل و ساختار تشبیه یعنی اضافه تشبیه‌ی را تشبیه فشرده و هر تشبیه دیگری را که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد، تشبیه گسترده نامیده‌اند.

تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف «وجه‌شبهه» و «ادوات تشبیه» از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از این‌رو، به این ساختار تشبیه بلیغ گفته می‌شود، چرا که همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه‌شبهه آن دو به جست‌وجو و کوشش و قدرت تخیل او را در این جهت فعال می‌کند. (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۸۳)

#### ۲. تقسیم‌بندی ساختار تشبیه در بلاغت

- انواع تشبیه از جهت وجود یا عدم وجود ادوات تشبیه: در کتب بلاغت به مقوله ذکر یا حذف ادوات تشبیه در تقسیمات تشبیه پرداخته و آن را به اعتبار حذف یا ذکر ادوات به دو قسم تقسیم کرده‌اند:

تشبیه مرسل (صریح): تشبیه‌ی است که در آن ادوات

ذکر شود. (تجلیل، ۱۳۶۲: ۵۷)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

کنج قفس چو نیک بیندیشی

چون گلشن است مرغ شکبیا را

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۳)

بیهوده چه لرزی ز هر نسیمی

جهان را به دل بت‌پرستان تشبیه کرده و برای آشکاری و زدودن ابهام وجه‌شبه را که سیاه بودن است، در بیت آورده.

بیهوده چه لرزی ز هر نسیمی

مانند چراغی که بی‌حبابست

(همان: ۱۸)

تشبیه انسان در برابر نسیم (حوادث روزگار) به چراغ بی‌حباب از لحاظ لرزیدن (ترسیدن).

هوا مسموم شد چون نیش کژدم

جهان تاریک شد چون چاه بیژن

(همان: ۳۷)

تشبیه هوا به نیش کژدم از لحاظ مسموم بودن و تشبیه جهان به چاه بیژن از لحاظ تاریک بودن.

تشبیه مجمل: به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده

باشد تشبیه مجمل گویند. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۶۸)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

(تو چراغی، زچه رو هم نفس بادی

تو امید، زچه هم‌خانه حرمانی

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۵۸)

تشبیه انسان به امید: در این بیت وجه شبه ذکر نشده، ولی مشبه به (امید) از امور معروف است؛ وجه شبه از مشبه به اخذ می‌شود؛ امید می‌تواند مفهوم آرزو، نور و روشنی و به طور کلی هر مفهوم مثبتی را دربرداشته باشد؛ مفهوم مقابلش حرمان (که هر چیز منفی را دربرمی‌گیرد) است.

طمع دیو است، با وی برنیائی

چو خوردی، باز فردا ناشتائی

(همان: ۱۴۷)

تشبیه طمع به دیو از لحاظ پلید بودن و زشت بودن و قدرتمندیش / طمع و دیو (مشبه و مشبه به) هر دو از

مانند چراغی که بی‌حبابست

(همان: ۱۸)

نهفته در پس این لاجوردگون خیمه

هزار شعبده‌بازی، هزار عیاربست

(همان: ۲۱)

روشن ضمیر آنکه ازین خوان گونه‌گون

قسمت همای‌وار بجز استخوان نداشت

(همان: ۲۳)

در ابیات بالا به ترتیب کلمات چون، مانند، گون،

وار ادات تشبیه هستند.

تشبیه مؤکد: اگر ادات تشبیه حذف شود تشبیه مؤکد نامیده می‌شود. (تجلیل، ۱۳۶۲: ۵۷) البته آمدن ادات یکی از عواملی است که از تأثیر «خیال» می‌کاهد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۸: ۲۰۸)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

آن شحنه که کالا ربود دزد است

آن نور که کاشانه سوخت نار است

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۶)

نفس دیویست فریبنده از او بگریز

سر به تدبیر بیج از خط فرمانش

(همان: ۳۷)

سالومه رفت و ماهمی خفتیم

خواب ما مرگ بود، خواب نبود

(همان: ۲۰۹)

- انواع تشبیه به اعتبار ذکر یا حذف وجه شبه:

تشبیه مفصل: به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد

تشبیه مفصل گویند. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۶۰)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

جهان چون دل بت‌پرستان، سیاه

مه از دیده پنهان و در راه، چاه

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۶۶)

هر کجا می‌نگرم، خار و خس است  
(همان: ۱۹۷)

جهان: مضاف‌الیه و مشبه / گلستان: مضاف و  
مشبه‌به / جهان = گلستان  
کشته نکودار که موش هوی  
خورده بسی خوشه و خروار را  
(همان: ۵)

هوی: مضاف‌الیه و مشبه / موش: مضاف و مشبه‌به /  
هوی = موش

بنای محکمه روزگار، بر ستم است  
قضا چو حکم نویسند، چه داوری، چه گواه  
(همان: ۲۰۶)

روزگار: مضاف‌الیه و مشبه / بنای محکم: مضاف و  
مشبه‌به / روزگار = بنای محکم  
تشبیه در تشبیه: گاهی مشبه یا مشبه به خود اضافه تشبیهی  
یا استعاره هستند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
آهوی روزگار نه آهوست، ازرد است  
آب هوی و حرص نه آبست، آذر است  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۲)

خود آهوی روزگار که مشبه است، اضافه تشبیهی  
است.

کشور جان تـ چو ویرانه‌ایست  
ملک دلت چون ده بی روستاست  
(همان: ۱۴)

کشور جان و ملک دل که خودشان مشبه هستند،  
اضافه‌های تشبیهی نیز هستند.

تشبیه بلیغ غیراضافی (اسنادی)  
تشبیه بلیغی است که به صورت غیراضافی به کار رود در  
این صورت اغراق در آن به اوج می‌رسد، زیرا در کلام  
ادعای همسان بودن قوی تر از ادعای شبیه بودن است.  
(صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۱۰)

امور انتزاعی هستند و وجه شبه نیز در این بیت ذکر نشده  
ولی چون هر دو از امور انتزاعی معروفی هستند، به  
راحتی قابل تشخیص است.

تشبیه بلیغ: تشبیهی است که ادات تشبیه و وجه شبه  
آن حذف شده باشد و فقط طرفین تشبیه (مشبه و  
مشبه‌به) ذکر شود. (هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۸۳) تشبیهات بلیغ  
به دو دسته تشبیه بلیغ اضافی و تشبیه بلیغ غیراضافی  
تقسیم می‌شود.

تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی  
اضافه تشبیهی: تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به به  
هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و  
وجه شبه محذوف است. به اصطلاح علم بیان، تشبیه هم  
مجمل است هم مؤکد. به این‌گونه تشبیه در علم بیان،  
تشبیه بلیغ می‌گویند، مثل قد سرو (اضافه مشبه به  
مشبه‌به) یا لعلب (اضافه مشبه‌به، به مشبه). (همان: ۱۱۷)

در بیش تر اضافه‌های تشبیهی که پروین به‌کار برده، دنیا  
دوستی و دلبستگی به تعلقات دنیوی نگوهرش شده است.  
اضافه مشبه به به مشبه: در این نوع اضافه تشبیهی، مضاف،  
مشبه‌به و مضاف‌الیه، مشبه قرار می‌گیرد.

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
نشان پای روباه است اندر قلعه‌امکان  
پیر چون طائر دولت، رها کن ماکانی را  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۸)

دولت: مضاف‌الیه و مشبه / طایر: مضاف و مشبه‌به /  
دولت = طایر  
چرا در کارگاه مردمی بی‌مایه و سودی  
چرا از آفتاب علم چون خفاش پنهانی  
(همان: ۶۰)

علم: مضاف‌الیه و مشبه / آفتاب: مضاف و مشبه‌به /  
علم = آفتاب  
در گلستان جهان، یک گل نیست

- نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
شاخ و برگت نیکنامی، بیخ و بارت سعی و علم  
این هنرها، جمله از آموزگار آورده‌ای  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۲۶۰)
- کنج قفس چو نیک بیندیشی  
چون گلشن است مرغ شکبیا را  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۳)
- مشبه حسی: کنج قفس / مشبه به حسی: گلشن.  
ز هر باد، چون گرد منما بلندی  
که پست است همت، بلندآسمان را  
(همان: ۶)
- مشبه حسی: انسان / مشبه به حسی: گرد.  
تا چند و کی این تیره جسم خاکی  
بر چهره خورشید جان سحابست  
(همان: ۱۸)
- مشبه حسی: جسم / مشبه به حسی: سحاب.  
خرد = استاد / تو = شاگرد / جهان = مکتب.  
دهر گرگیست گرسنه، رخ از او برگیر  
چرخ دیویست سیه دل، دل از بستان  
(همان: ۴۷)
- دهر = گرگی گرسنه / چرخ = دیوی سیه‌دل.  
ب) انواع تشبیه از نظر مضمون و محتوا  
۱. تقسیم‌بندی تشبیه براساس عقلی و حسی بودن طرفین تشبیه  
تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه به چهار  
حالت دارد. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۷۴) یا هر دو طرف حسی  
هستند؛ یا مشبه، عقلی، مشبه به حسی است؛ یا مشبه  
حسی، مشبه به عقلی است؛ یا هر دو طرف عقلی هستند.
- ۱-۱. هر دو طرف تشبیه حسی  
مراد از حسی اموری است که به یکی از حواس پنج‌گانه  
چشایی، بینایی، بساواپی، شنوایی و بویایی قابل درک  
باشند، یعنی به طور کلی وجودی محسوس و مادی  
داشته باشند.  
تشبیه حسی به حسی، تشبیهی معمول و مرسوم  
است و به خصوص در ادبیات قدیم معروف به سبک  
خراسانی رایج بوده است. (همان: ۷۴) پروین از این نوع  
تشبیه نسبت به انواع دیگر آن بیشتر استفاده کرده است.  
نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:
- ۲-۱. مشبه عقلی، مشبه به حسی  
عقلی در اصطلاح علم بیان سستی هر چیزی است که با  
یکی از خواص خمسه قابل درک نباشد. (شمیسا، ۱۳۸۵:  
۷۴) نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
علم است میوه، شاخه هستی را  
فضل است پایه، مقصد والا را  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۴)
- تشبیه علم به میوه و فضل به پایه / مشبه‌های عقلی:  
علم و فضل / مشبه‌های حسی: میوه و پایه.  
ورطه و سیلاب نداری به پیش  
تا خردت کشتی و جان ناخداست  
(همان: ۱۴)
- تشبیه خرد به کشتی و جان به ناخدا / مشبه‌های  
عقلی: خرد و جان / مشبه‌های حسی: کشتی و ناخدا.  
یوسف نام نهادند و به گرگ دادند  
مرگ گرگ تو شد، ای یوسف کنعانی من  
(همان: ۲۷۱)
- تشبیه مرگ به گرگ / مشبه عقلی: مرگ / مشبه به  
حسی: گرگ.



۳-۱. مشبه حسی و مشبه به عقلی

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

کلاه و جامه چون بسیار گردد

کله عجب و قبا پندار گردد

(همان: ۱۱۵)

تشبیه کلاه به عجب؛ و قبا به پندار / مشبه‌های

حسی: کلاه و قبا / مشبه‌به‌های عقلی: عجب و پندار.

فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود

فرشته بین که برو طعنه می‌زند شیطان

(همان: ۱۸۸)

تشبیه زن ب هفرشته / مشبه حسی: زن / مشبه به

عقلی: فرشته.

سالومه رفت و ما همی خفتیم

خواب ما مرگ بود، خواب نبود

(همان: ۲۰۹)

تشبیه خواب به مرگ / مشبه حسی: خواب /

مشبه به عقلی: مرگ.

۴-۱. هر دو طرف عقلی

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

دل پاک آینه روی خداست

این چنین آینه زنگار نداشت

(همان: ۲۳)

تشبیه دل پاک به آینه روی خدا که هر دو طرف

تشبیه عقلی هستند.

طمع دیو است، با وی برنیائی

چو خوردی، باز فردا ناشتائی

(همان: ۱۴۷)

تشبیه طمع به دیو که هر دو طرف تشبیه عقلی

هستند.

عدل، چه افتاد که منسوخ شد

رحمت و انصاف، چرا کیمیاست

(همان: ۱۷۳)

تشبیه رحمت و انصاف به کیمیا که هر دو طرف

تشبیه عقلی هستند.

بررسی محتوایی «وجه شبه» در دیوان پروین اعتصامی

زیبایی و ارزش ادبی - هنری یک تشبیه به چگونگی و

کیفیت وجه شبه، وابسته است. وجه شبه، رابطه‌ای است

که شاعر یا نویسنده به کشف آن نائل گردیده و اهمیت

این کشف کمتر از یک قانون علمی نیست. (شفیعی

کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۸) همچنین، وجه شبه، مبین جهان‌بینی

و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه

شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند می‌شویم.

(شمیسا، ۱۳۸۵: ۹۸) ارزیابی وجه شبه در آثار یک شاعر

می‌تواند میزان خلاقیت وی را آشکار سازد. وقتی شاعر

از وجه شبه‌های تکراری و تقلیدی استفاده می‌کند، نشان

از خالی بودن شعر از برجستگی‌های ادبی و هنری است.

کشف وجه شبه به بینش و دریافت گوینده بستگی دارد

و شاعر ممکن است رنگ و حرکت و حالت و شکل و

اثر حسی یا عقلی همانند بین دو چیز را به تنهایی پیش

بکشند یا مجموعه‌ای از حالات و حرکات را به عنوان

صفت مشترک (وجه شبه) در مظر داشته باشد. (ثروتیان،

۱۳۶۹: ۴۴)

۱. تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار واقعی بودن یا خیالی بودن

در بلاغت کلاسیک وجه شبه به دو بخش تقسیم شده

است:

- وجه شبه تحقیقی

وجه شبه در طرفین تشبیه قابل تصور باشد: مثل تشبیه لب

یا گونه به گل سرخ به لحاظ سرخی که هم در لب وجود

دارد هم در گونه. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۰۰) کثرت این نوع

وجه شبه در اشعار نشان از عدم خلاقیت و نوآوری

شاعر می‌تواند باشد. در دیوان پروین اعتصامی نیز این

نوع وجه شبه با بسامد بالایی نسبت به دو نوع بعدی به

کار رفته است.

- نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
همچو شبنم، در گلستان وجود  
بر گل رخساره‌ای تابید و رفت  
(همان: ۱۶۱)
- فعل فروختن برای زمانه امری تخیلی است.  
دهر گرگیست گرسنه، رخ از او برگیر  
چرخ دیویست سیه دل، دل ازو بستان  
(همان: ۴۷)
- تشبیه وجود به گلستان و رخساره به گل به لحاظ  
اینکه هر دو می‌توانند زیبا باشند.  
هوا مسموم شد چون نیش کژدم  
جهان تاریک شد چون چاه بیژن  
(همان: ۵۱)
- تثبیه هوا به نیش کژدم از نظر مسمومیت که در هر  
دو قابل تصور است و تشبیه جهان به چاه بیژن از نظر  
تاریک شدن، هنگام شب هوا تاریک می‌شود که این  
وجه‌شبه در هر دو حقیقتاً وجود دارد.  
ترا فرقان دبیرستان اخلاق و معانی شد  
چرا چون طفل کودن زین دبیرستان گریزانی  
(همان: ۶۱)
- وجه‌شبه دو گانه یا صنعت استخدام  
گاهی وجه‌شبه در ارتباط با مشبه یک معنی و در ارتباط  
با مشبه به معنی دیگری دارد و یک بار حسی و بار دیگر  
عقلی است. در این صورت کلام بسیار زیبا و هنری  
خواهد بود. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۰۶)
- تشبیه قرآن به دبیرستان اخلاق و معانی از نظر  
ارزشمند بودنش که در هر دو طرف قابل تصور است.  
- وجه‌شبه تخیلی  
مراد از وجه‌شبه تخیلی به اصطلاح قدما آن است که  
مورد شباهت در طرفین یا در یکی از آنها خیالی و  
ادعایی باشد. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۰۱) قطعاً میزان وجه‌شبه  
تخیلی در یک اثر نشان‌دهنده ادبی بودن آن اثر است.  
نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
آنکس که چو سیمرغ بی‌نشانست  
از رهزن ایام در امانست  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۸)
- آن کس که همنشین خرد شد، زهر نسیم  
چون پر کاه بی‌سروسامان نمی‌شود  
(همان: ۳۱)
- بلندی: در ارتباط با انسان به معنی تکبر است و  
عقلی است و در ارتباط با گرد به معنی بالا رفتن و حسی  
است.  
آن کس که همنشین خرد شد، زهر نسیم  
چون پر کاه بی‌سروسامان نمی‌شود  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۶)
- بلندی: در ارتباط با انسان، آشفته شدن  
و عقلی است و در ارتباط با پر کاه، پراکنده شدن و  
حسی است.  
به بی‌باکی بسان مردم مست  
به بدکاری بکردار هریمین  
(همان: ۵۲)
- زمانه گشت چو عطار و خون هر سگ و خوک  
فروخت بر همه و گفت مشک تاتاریست  
(همان: ۲۱)



وجه شبه: سرخی و لطافت و زیبایی.  
 ببین ز دست چکار آیدت، همان میکن  
 میباش همچو دهل، خودنما و هیچ میان  
 (همان: ۲۱۶)  
 وجه شبه: خودنما و هیچ میان بودن.

۲-۳. وجه شبه مرکب  
 هنری ترین وجه شبه است و از مشبه به مرکب اخذ  
 می شود. هیأت حاصله (ایماژ، تصویر، تابلو) از امور  
 متعدد است و به اصطلاح متنوع از چند چیز است.  
 (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۰۹)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
 چرخ بر گرد تو دانی که چسان می‌گردد  
 همچو شهباز که بر گرد کیوتر گردد  
 (اعتصامی، ۱۳۵۳: ۲۶)

وجه شبه: تسلط و گردش موجودی بزرگ و قوی  
 به دور موجودی کوچک و ضعیف.  
 پرگار زمانه بر تو می‌گردد  
 چون نقطه تو در حصار پرگاری  
 (همان: ۵۵)

وجه شبه: گردش موجودی بزرگ و قوی به دور  
 موجودی کوچک و ضعیف.  
 تو چون ذره این باد را در کمندی  
 تو چو صعوه این مار را در دهانی  
 (همان: ۶۳)  
 وجه شبه: غلبه موجودی قوی بر موجودی ضعیف.  
 شد از رنج رنجور و از درد نالان  
 بیچید و گردید چون مار چنبر  
 (همان: ۱۵۹)  
 وجه شبه: هیأتی مرکب از بیچیدن و چنبر گردیدن  
 از شدت درد است.

تشبیه باد سیاه به مردم مست از نظر بی باکی که  
 بی باکی در ارتباط با مردم مست، عقلی (بی شرم و نترس  
 بودن) است و در ارتباط با باد، حسی (باد تند و سخت)  
 است.

۲. وجه شبه به اعتبار مفرد و متعدد و مرکب بودن طرفین  
 ۱-۲. وجه شبه مفرد: وقتی است که از یکی بیشتر نباشد:  
 مانند تشبیه گل به آتش از نظر سرخی. (شمیسا، ۱۳۸۵:  
 ۱۰۹) نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
 آن شحنه که کالا ربود دزد است

آن نور که کاشانه سوخت نار است  
 (همان: ۱۰)  
 دو تشبیه مفرد به کار رفته؛ وجه شبه: ربودن و  
 سوختن.

آن کس که چو سیمرغ بی نشانست  
 از رهزن ایام در امانست  
 (همان: ۱۸)

وجه شبه: بی نشان بودن  
 نفس دیویست فریبنده از او بگریز  
 سر به تدبیر بیچ از خط فرمانش  
 (همان: ۳۷)

وجه شبه: فریبنده بودن.

۲-۲. وجه شبه متعدد  
 آن است که از یکی بیشتر باشد. مانند تشبیه گونه به گل  
 از نظر لطافت و سرخی. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۰۹)  
 نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
 فلک ای دوست به شطرنج همی ماند  
 که زمانیت کند مات و گهی فرزین  
 (همان: ۵۳)

وجه شبه: زمانیت کند مات و گهی فرزین.  
 همچو شبنم، در گلستان وجود  
 بر گل رخساره‌ای تایید و رفت  
 (همان: ۱۶۱)

## ۳. انواع تشبیه از نظر مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین

## تشبیه

مفرد: تصور و تصویر یک هیأت یا یک چیز است: گل، جام، دزد.

مقید: تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد؛ مثل جام بلورین، کشتی سرنگون که مقید به قید و صف‌اند.

مرکب: مرکب یک هیأت ترکیبی است و به قول قدماء مرکب، هیأت متنوع از چند چیز است و با زبان امروز، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آوردن آن نقش داشته باشند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۸۵ و ۸۶)

۱-۳. تشبیه مفرد به مفرد: (اکثر تشبیهاتی که در قسمت اضافه تشبیهی آمده‌اند، جزء تشبیهات مفرد به مفرد محسوب می‌شوند که در اینجا فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم):

افسون فسای افعی شهوت را

افسار بنام مرکب سودا را

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۳۰)

شهوت به افعی تشبیه شده است: شهوت = افعی

سودا به مرکب تشبیه شده: سودا = مرکب.

کشته نکو دار که موش هوی

خورده بسی خوشه و خروار را

(همان: ۵)

تشبیه هوی به موش.

زمانه گشت چو عطار و خون هر سگ و خوک

فروخت بر همه و گفت مشک تاتاریست

(همان: ۲۱)

زمانه = عطار.

۲-۳. تشبیه مفرد به مقید

چراغ روشن جان را مکن در حصن تن پنهان

مپیچان در میان خرقة، این یاقوت کانی را

(همان: ۷)

جان = چراغ روشن.

دهر گرگیت گرسنه، رخ از او برگیر

چرخ دیویست سیه دل، دل ازو بستان

(همان: ۴۷)

دهر = گرگ گرسنه / چرخ = دیو سیه دل.

چو کتابیست ریا، بی ورق و بی خط

چو درختیست هوی، بی بن و بی اغصان

(همان: ۴۸)

تشبیه ریا به کتابی که بی‌ورق و دفتر باشد و تشبیه هوی به درختی که بی‌بن و اغصان باشد.

۳-۳. تشبیه مفرد به مرکب

بال و پر چند زنی خیره، نمی‌بینی

که تو گنجشک صفت در دهن ماری

(همان: ۵۶)

تو (انسان) = گنجشکی که در دهن ماری گرفتار شده

باشد.

ما از بیداد تو سرگردان شدیم

همچو کاه اندر هوا رقصان شدیم

(همان: ۱۱۰)

تشبیه تیر به کاهی که در هوا رقصان است.

بر سپهر تیره هستی دمی

چون ستاره روشنی بخشید و رفت

(همان: ۱۶۱)

تشبیه اشک به ستاره‌ای که روشنی بخشیده و رفته باشد.

۴-۳. تشبیه مقید به مفرد

من اشک خویش را چو گهر پرورانده‌ام

دریای دیده تا که نگوئی گهر نداشت

(همان: ۷۸)

اشک خویش = گهر.

تو چو زری، ای روان تابناک

چند باشی بسته زندان خاک

(همان: ۱۴۸)

۸-۳. تشبیه مرکب به مرکب خزان کرد آنچنان آشوب بر پای	روان تابناک = زر. در زمستانم، تف دل آتش است
که هنگام جدل شمشیر قارن (همان: ۵۱)	برف و باران خوابگاه و پوشش است (همان: ۱۲۴)
آشوب بر پا کردن خزان = شمشیر زدن قارن هنگام جدل.	تف دل = آتش. ۵-۳. تشبیه مقید به مقید
هنر و فضل در سپهر و جود عالم افروز چون خور و قمر است (همان: ۸۶)	این دشت، خوابگاه شهیدانست فرصت شمار وقت تماشا را (همان: ۳)
روشنگری هنر و فضل در آسمان و جود = نورافشانی خور و قمر در دنیا. شهاب ثاقب، از دامان افلاک فرو افتاد، چون سنگ فلاخن (همان: ۱۶۴)	این دشت = خوابگاه شهیدان. دل پاک آینه روی خداست این چنین آینه زنگار نداشت (همان: ۲۳)
افتادن شهاب ثاقب از دامان افلاک = افتادن سنگ فلاخن. (همان: ۸۷)	دل پاک = آینه روی خدا. گفته بی عمل چو باد هواست ابره را محکمی زآستر است (همان: ۸۷)
به دست جهل، به بنیاد خویش تیشه زدن دو چشم بستن و در چاه سرنگون شدن است (همان: ۱۹۶)	گفته بی عمل = باد هوا. ۶-۳. تشبیه مقید به مرکب
به دست جهل، به بنیاد خویش تیشه زدن = دو چشم بستن و در چاه سرنگون شدن. این همه جان کندن و سوزن زدن گور خود، با نوک سوزن کندن است (همان: ۲۵۳)	یکی پاکیزه رودی از بیابان روان گشته به دامان گلستان (همان: ۱۷۵)
این همه جان کندن و سوزن زدن = گور خود، با نوک سوزن کندن است.	فروزنده چنان کز چرخ، انجم گریزنده چنان کز دیو، مردم (همان)
۴. انواع تشبیه از نظر مقید بودن و یا مقید نبودن فرآیند تشبیه ۱-۴. تشبیه تسویه برای چند مشبه یک مشبه به بیاورند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۲۸)	مشبه: رود پاکیزه = مشبه به: فروزنده چنان کز چرخ، انجم و گریزنده چنان کز دیو، مردم ۷-۳. تشبیه مرکب به مفرد روز سعادت زشب چگونه شناسد آنکه زخورشید شد چو شب پنهان (همان: ۴۷)
نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:	مشبه: کسی که از خورشید پنهان است = مشبه به: شب پره.

تشبیه پیله، در زمان مرگ به گور و کفن و در زمان  
زندگی به خوابگاه و پیرهن.

۳-۴. تشبیه مشروط

شباهت بین مشبه و مشبه‌به در گرو شرطی است که آن را  
ذکر کنند. ادات شرط معمولاً اگر (گر) است. (شمیسا،

۱۳۸۵: ۱۳۳) نمونه‌ای از دیوان پروین اعتصامی:

گر نبودی سخن طیبیت و رنگ و بو

خسک خشک بدی همچو گل و ریحان

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۴۹)

اگر سخن طیبیت و رنگ و بو نبود، خسک خشک  
همانند گل و ریحان می‌شد.

۴-۴. تشبیه بدلی

یکی از اقسام قوی تشبیه، تشبیه‌های بدلی است.

(فرشیدورد، ۱۳۵۷: ۳۱) در تشبیه بدلی، مشبه، مبدل‌منه،

یا بدل مشبه‌به است و مشبه‌به، بدل مشبه است. در این

گونه تشبیهات، ائراق به اوج خود می‌رسد، به طوری که

خوانند در وحله اول ممکن است آن را استعاره بدانند، در

حالی که تشبیه است. پروین در استفاده از این شیوه نیز

مانند بیشتر صنایع ادبی که به کار برده موفق بوده است و

این نوع تشبیه در قسمت قصاید با بسامد بالاتری نسبت

به قطعاتش به کار رفته است. تشبیه بدلی انواع مختلفی

دارد که پروین، از شش نوع آن بهره برده است و از بین

این شش نوع، بیشتر از نوع تشبیه بدلی که مشبه یا

مبدل‌منه، در بیت یا بیت‌های قبل مشبه‌به یا بدل آن آمده

استفاده کرده است.

انواع تشبیه بدلی در دیوان پروین اعتصامی عبارت‌اند از

۱-۴-۴. تشبیه بدلی که مشبه یا مبدل‌منه در مصرع اول و

مشبه‌به یا بدل در مصرع دوم آمده است:

رهائیت باید، رها کن جهان را

نگهدار ز آلودگی پاک جان را

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۶)

سادگی و پاکی و پرهیز یک گوهرند

گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود

(همان: ۱۵۴)

سادگی و پاکی و پرهیز = گوهر.

عقل و رأی و عزم و همت، گنج تست

بهترین گنجور، سعی و رنج تست

(همان: ۱۲۵)

عقل و رأی و عزم و همت = گنج تو.

دزدند خودپرستی و خودکامی

با این دو فرقه راه نیماید

(همان: ۳۱)

خود پرستی و خودکامی = دزد.

۲-۴. تشبیه جمع

عکس تشبیه تسویه است یعنی برای یک مشبه چند

مشبه‌به می‌آورند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود

طیب بود و پرستار و شحنه و دربان

(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۸۸)

زن نکوی = بانو و طیب و پرستار و شحنه و

دربان.

ایام بود چو شبروی چابک

یا همچو یکی سیاه‌دل رهن

(همان: ۵۰)

تشبیه ایام به شبروی چابک و راهزنی سیاه‌دل.

زندگی خواب و خیالی بیش نیست

بی سبب از اندهش محزون شدی

(همان: ۵۵)

تشبیه زندگی به خواب و خیال.

به روز مرگم، اگر پیله گور گشت و کفن

به وقت زندگیم، خوابگاه و پیرهن است

(همان: ۱۹۶)

جehan = آلودگی / جهان: مبدل منه یا مشبه = آلودگی: بدل یا مشبه به. ندانستیم فرصت را بدل نیست	تا از جهان سفله نه ای فارغ هرگز نخواند اهل خرد رادت (همان: ۹)
ز دام، این مرغ وحشی را پراندیم (همان: ۱۲۹) فرصت = مرغ وحشی / فرصت: مبدل منه = مرغ وحشی: بدل.	این کوردل عجزه بی شفقت چون طعمه بهر گرگ اجل زادت (همان) مبدل منه: جهان / بدل: عجزه / جهان = عجزه. نفس بدخواه ز کس روی نمی تابد گر تو زان روی بتابی چه ازین بهتر (همان: ۳۵)
مبدل منه: نفس = بدل: خار از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل تا بداند دیو، کائن آئینه جای گرد نیست (همان: ۲۶۸) مبدل منه: دل = بدل: آئینه.	عاقبت زار بسوزاندت این آتش آخر کار کند گمرهت این رهبر (همان) تو اگر شعبده از معجزه شناسی نکنند شعبده این ساحر جادوگر (همان)
۲-۴-۴. تشبیه بدلی که مشبه به یا بدل، در مصرع اول و مشبه یا مبدل منه، در مصرع دوم آمده است: بی خبر می رود این شبرو بی پروا ناگهان می کشد این گیتی دون پرور (همان: ۳۳)	تو دگر هیچ نداری ز سلیمانی اگر این دیو ز دست برد انگشتر (همان: ۳۶) مبدل منه: نفس / بدل: آتش. رهبر. ساحر جادوگر. دیو.
مبدل منه: گیتی دون پرور = بدل: شبرو بی پروا. ۳-۴-۴. تشبیه بدلی که مشبه و مشبه به در یک مصراع و مشبه قبل از مشبه به آمده است: جوانی نکودار، کائن مرغ زیبا نماند در این خانه استخوانی (همان: ۲۴۹)	زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود (همان: ۱۵۳) در قفس می آرمید و در قفس می داد جان در گلستان نام ازین مرغ گلستانی نبود (همان)
مبدل منه: جوانی = بدل: مرغ زیبا. بپوش چشم ز پندار و عجب، کائن دو شریک بر آن سرنند که تا فرصتی تباہ کنند (همان: ۲۵۰) مبدل منه: پندار و عجب = بدل: دو شریک.	مبدل منه: زن = بدل: مرغ گلستانی کاش، در بحر بیکران جهان نام طوفان و انقلاب نبود (همان: ۲۰۸)
۴-۴-۴. تشبیه بدلی که مشبه در بیت قبل بدل یا بیت های قبل از آن آمده است:	نکشید آب، دلو ما زین چاه

- زانکه در دست ما طناب نبود  
مبدل‌منه: جهان = بدل: چاه.  
(همان)
- گر عاقلی، چرا بردت توسن هوی  
ور مردمی، چگونه شدستی به دیو رام  
(همان: ۴۱)
- ۴-۴-۵. تشبیه بدلی که مشبه، خود مستعارمنه است و در  
مصراع اول ذکر شده و بدل با مشبه‌به در ابیات بعدی  
آمده است:  
کارها بود در این کارگه اخضر  
لیک دوک تو نگرید ازین بهتر  
موج‌ها کرد هم کاندل لب این دریا  
شعله‌ها گشته نهان در دل این مجمر  
تو ندانم به چه امید نهادستی  
کاله خویش در این کشتی بی‌لنگر  
پای غفلت چه نهی بر دم این کژدم  
دست شفقت چه کشی بر سر این اژدر  
به نگردد دگر آزردۀ این پیکان  
برنخیزد دگر افتاده این خنجر  
سبک آن مرغ که ننشست بدین پستی  
خنک آن دیده که نغنود درین بستر  
چه شدی بسته این محبس بی‌روزن  
چه شدی ساکن این کنگره بی‌در  
سر خود گیر و از این دام گریزان شو  
دل خود جوی و ازین مرحله بیرون بر  
چو تو خود صاعقه خرم‌ن خود گشتی  
چه همی نالی ازین توده خاکستر  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۳۳ و ۳۴)
- مشفه یا مبدل‌منه: مستعارمنه (کارگه اخضر: استعاره  
از دنیا) / مشبه‌به یا بدل: دریا. مجمر. کشتی بی‌لنگر. کژدم.  
اژدر. پیکان. خنجر. پستی. بستر. محبس بی‌روزن. کنگره  
بی‌در. دام. مرحله. توده خاکستر.  
۴-۴-۶. تشبیه بدلی که مشبه، یا مبدل‌منه آن، اضافه  
تشبیهی است و در مصراع اول آمده و بدل یا مشبه‌به در  
مصراع دوم آمده است:
- شوره‌زار تن خاکی گل تحقیق نداشت  
خرد این تخم پراکند به گلزاری چند  
(همان: ۲۹)
- مبدل‌منه: گل تحقیق = بدل: تخم.  
۵. تقسیم‌بندی تشبیه به جهت شکل قرار گرفتن مشبه با  
مشبه‌به  
۵-۱. تشبیه ملفوف  
چندمشبه (حداقل دوتا) جداگانه ذکر شود و سپس  
مشبه‌به‌های هر کدام به ترتیب جداگانه گفته شود.  
(شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۲۷) نمونه‌ای از دیوان پروین اعتصامی:  
هنر و فضل در سپهر وجود  
عالم‌افروز چون خور و قمر است  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۸۶)
- مشبه‌ها: هنر و فضل = مشبه‌به‌ها: خور و قمر.  
۵-۲. تشبیه مفروق  
در اینجا هم چند مشبه و مشبه‌به داریم، اما هر مشبه با  
مشبه‌به خود همراه است. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۲۸)  
نمونه‌هایی از دیوان پروین اعتصامی:  
حمله نیارد به تو ثعبان دهر  
تا چو کلیمی تو و دینت عصاست  
(اعتصامی، ۱۳۵۳: ۱۳)



و زشتی‌ها بر حذر می‌دارد. وی موضوعات حکمی و اخلاقی را چنان با زبان ساده و شیوا بیان می‌دارد که خواننده را از هر تیپ و طبقه‌ای که باشد تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از بزرگان ادب او را در قدرت کلام و چیره‌دستی در صنایع و آداب سخنوری هم پایه‌گویندگان نامدار فارسی قرار داده‌اند؛ زیرا وی از یک سو در محضر استادان آشنا به روش سنتی و میراث فرهنگی و ادبی ایرانیان پرورش یافته و مانند ایشان به سرایش پرداخته و از سوی دیگر، صاحب افکار متجدد و نو و در حال تغییر مردم نوگرا و نوجوی هم‌عصرش یعنی اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی ایران است.

۱. با بررسی دیوان اشعار پروین اعتصامی مشخص گردید که به طور تقریبی در ۴۰ درصد از دیوان صنعت تشبیه وجود دارد. اگرچه تمامی این تشبیه‌ها از نظر زیبایی و ادبی بودن در یک درجه نیستند و تعداد تشبیهات مبتدل هم در آن کم نیست، اما بسامد و تنوع تشبیهات نشان‌دهنده جایگاه والای تشبیه در دیوان ایشان است. همچنین، این میزان تشبیه در اشعارش باعث خیال‌انگیزی و تأثیرپذیری هر چه بیشتر اشعارش در ضمیر مخاطبان‌ش شده و خشکی و یکنواختی که در اکثر آثار تعلیمی موج می‌زند خوشبختانه در دیوان این شاعر کمتر دیده می‌شود.

۲. در دیوان پروین اعتصامی میزان تشبیهات فشرده با بسامد بالایی نسبت به تشبیهات گسترده اعم از چهار رکنی (ذکر ادات تشبیه و وجه‌شبه یا تشبیه مرسل و مفصل) و سه رکنی (حذف ادات تشبیه یا تشبیه مؤکد) به کار رفته است. بسامد بالای تشبیهات فشرده نشان‌دهنده تسلط شاعر به فنون بلاغت و بیان و مهارت او در به کارگیری تشبیهات زیباست. همان طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود تشبیهات فشرده با ۴۵ درصد، تشبیهات گسترده سه رکنی با ۳۵ درصد و تشبیهات گسترده چهار رکنی با ۲۰ درصد اشعار را به خود اختصاص داده‌اند.

دهر = ثعبان / تو (انسان) = کلیم (لقب حضرت موسی (ع)) / دین تو = عصا

دهقان توئی به مزرع ملک وجود خویش  
کار تو همچو غله و ایام آسیاست  
(همان: ۱۶)

تو = دهقان / کار تو = غله / ایام = آسیا.  
جان چو کان آمد و دانش گهرش، پروین  
دل چو خورشید شد و ملک تنش عالم

(همان: ۴۵)  
جان = کان / دانش = گوهر / دل = خورشید / ملک  
تن = عالم.

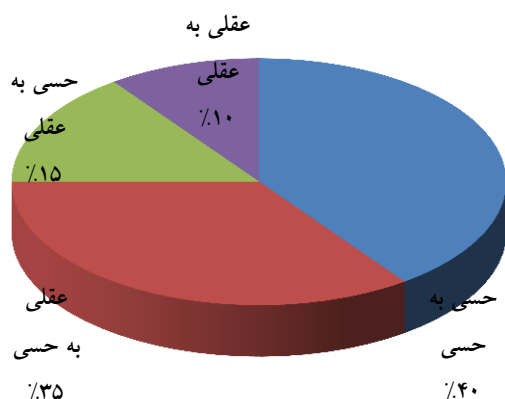
خرد استاد و تو شاگرد و جهان مکتب  
چه رسیدت که چنین کودنی و نادان  
(همان: ۴۸)

خرد = استاد / تو = شاگرد / جهان = مکتب.

### بحث و نتیجه‌گیری

شعر مهم‌ترین و عالی‌ترین رسانه فرهنگی ماست یا به عبارت روشن‌تر، اصلی‌ترین و پرزورترین برداری است که وجدان ایرانی برای رساندن احساس و اندیشه و جهان‌بینی خود برگزیده است. (آشوری، ۱۳۱۷: ۹۰) پیام و مضمون و محتوای هر اثر ادبی و هنری باعث ماندگار شدن یا فراموش شدن ابداع‌کننده آن می‌شود و ارزش پیام آثار ادبی و هنری به جهان‌بینی شاعر و هنرمند مربوط است و باید دانست که اغلب جهان‌بینی‌های حاکم بر آثار ادبی برتر جهان که ماندگار شده‌اند، بر پایه الهیات و وجدان انسانی - اخلاقی بوده‌اند.

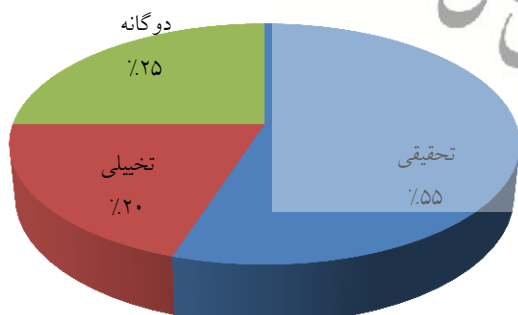
سخن‌سنجان دیوان پروین را همانند آثاری چون حدیقه سنایی، قصاید ناصرخسرو، مخزن‌الاسرار نظامی، بوستان و گلستان سعدی اثری تعلیمی و اخلاقی می‌دانند؛ زیرا انسان را به خیر و صلاح و خوبی و نیکی و عدل و محبت و انسان‌دوستی دعوت می‌کند و از بدی‌ها



نمودار ۲. میزان بسامد استفاده پروین از تشبیهات حسی و

عقلی

۷. نمودار زیر بسامد استفاده پروین از وجه‌شبهه به اعتبار تحقیقی، تخیلی و دوگانه بودن را نشان می‌دهد که طبق آن به ترتیب وجه‌شبهه تحقیقی با ۵۵ درصد، وجه‌شبهه دوگانه با ۲۵ درصد و وجه‌شبهه تخیلی با ۲۰ درصد به کار رفته است. بسامد بالای وجه‌شبهه تحقیقی نشان از کم بودن نوآوری و ابداع در اشعار پروین اعتصامی دارد.



نمودار ۳. میزان بسامد استفاده پروین از وجه‌شبهه به اعتبار

تحقیقی، تخیلی و دوگانه بودن

۸. نمودار زیر بسامد استفاده پروین از وجه‌شبهه به اعتبار مفرد، متعدد و مرکب بودن را نشان می‌دهد که طبق این نمودار وجه‌شبهه مفرد با ۵۰ درصد، وجه‌شبهه متعدد با ۲۵ درصد و وجه‌شبهه مرکب هم با ۲۵ درصد به کار رفته است.

تشبیهات گسترده (چهار

رکنی)

۲۰٪

تشبیهات گسترده (سه

رکنی)

۳۵٪

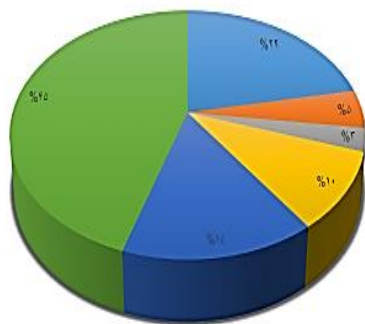
نمودار ۱. بسامد انواع تشبیه از جهت فشردگی و گستردگی

۳. در بررسی تشبیهات مرسل و مؤکد به این نتیجه رسیدیم که میزان استفاده پروین اعتصامی از تشبیه مرسل بیشتر از تشبیه مؤکد بوده است. البته اگر تشبیهات بلیغ یا اضافه تشبیهی را که در آن هم ادات تشبیه محذوف است در نظر نگیریم، این مطلب درست است؛ اما در صورت در نظر گرفتن اضافه‌های تشبیهی یا تشبیهات بلیغ، عکس این مطلب صدق خواهد کرد.

۴. همچنین درصد استفاده ایشان از تشبیه مفصل در مقایسه با تشبیهات مجمل و بلیغ و اضافه‌تشبیهی که وجه شبهه در آنها ذکر نمی‌شود، بسیار ناچیز بوده و این کار باعث قوت و خیال‌انگیز شدن هرچه بیشتر اشعار ایشان شده است.

۵. پروین از انواع اضافه‌های تشبیهی، بیشتر از نوع دوم یعنی اضافه‌مشبهه، به مشبهه استفاده کرده است و از نوع اضافه‌مشبهه، به مشبهه استفاده نکرده، یا بسیار کم استفاده کرده است. همچنین، از تشبیه بلیغ غیراضافی یا اسنادی نیز به زیبایی و فراوانی سود برده است.

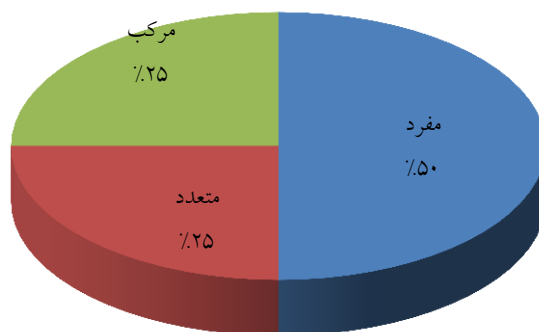
۶. نمودار زیر بسامد استفاده پروین از تشبیهات حسی و عقلی به اعتبار طرفین را نشان می‌دهد که به ترتیب تشبیهات حسی به حسی با ۴۲ درصد، عقلی به حسی با ۳۵ درصد، حسی به عقلی با ۱۵ درصد و عقلی به عقلی با ۱۰ درصد به کار رفته است.



نمودار ۶. بسامد استفاده پروین اعتصامی از انواع تشبیه به لحاظ شکل

بدلی ■ تسویه ■ جمع ■ مشروط ■ ملفوف ■ مفروق ■

لحاظ شکل



نمودار ۴. میزان بسامد استفاده پروین از وجه شبه به اعتبار

مفرد، متعدد و مرکب بودن

۹. در نمودار زیر بسامد استفاده پروین از تشبیه به

اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن مشبه و مشبه به نشان

داده می شود و همان طور که مشاهده می شود، می توان

گفت که میزان استفاده وی از تشبیه مفرد ۷۰ درصد،

تشبیه مقید ۲۰ درصد و تشبیه مرکب ۱۰ درصد می باشد.

ششم. تهران: چاپخانه محمدعلی فردین.

تجلیل، جلیل (۱۳۶۲). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر

دانشگاهی.

ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹). بیان در شعر فارسی. تهران:

انتشارات برگ.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). صور خیال در شعر

فارسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). بیان. تهران: نشر میترا.

صادقیان، محمد (۱۳۷۱). طراز سخن در معانی و بیان.

تهران: انتشارات علمی آزاد اسلامی.

عقدایی، تورج (۱۳۸۱). نقش خیال (بیان در شعر

فارسی). زنجان: نیکان کتاب.

علوی مقدم، محمد؛ اشرف زاده، رضا (۱۳۷۹). معانی و

بیان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاه ها (سمت).

فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۷). در گلستان خیال حافظ.

تهران: نشر تهران.

۹. در نمودار زیر بسامد استفاده پروین از تشبیه به

اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن مشبه و مشبه به نشان

داده می شود و همان طور که مشاهده می شود، می توان

گفت که میزان استفاده وی از تشبیه مفرد ۷۰ درصد،

تشبیه مقید ۲۰ درصد و تشبیه مرکب ۱۰ درصد می باشد.

ششم. تهران: چاپخانه محمدعلی فردین.

تجلیل، جلیل (۱۳۶۲). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر

دانشگاهی.

ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹). بیان در شعر فارسی. تهران:

انتشارات برگ.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). صور خیال در شعر

فارسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). بیان. تهران: نشر میترا.

صادقیان، محمد (۱۳۷۱). طراز سخن در معانی و بیان.

تهران: انتشارات علمی آزاد اسلامی.

عقدایی، تورج (۱۳۸۱). نقش خیال (بیان در شعر

فارسی). زنجان: نیکان کتاب.

علوی مقدم، محمد؛ اشرف زاده، رضا (۱۳۷۹). معانی و

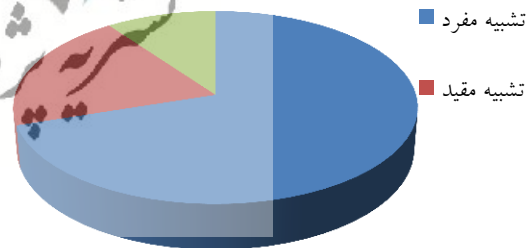
بیان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاه ها (سمت).

فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۷). در گلستان خیال حافظ.

تهران: نشر تهران.

تهران: نشر تهران.



نمودار ۵. بسامد استفاده پروین از تشبیه به اعتبار مفرد، مقید

و مرکب بودن مشبه و مشبه به

۱۰. نمودار زیر بسامد استفاده پروین اعتصامی از

انواع تشبیه به لحاظ شکل را نشان می دهد. همان طور که

مشاهده می شود به ترتیب تشبیه بدلی ۴۵ درصد، تشبیه

تسویه ۲۰ درصد، تشبیه مفروق ۲۲ درصد، تشبیه جمع

۱۰ درصد، تشبیه ملفوف ۵ درصد و در نهایت تشبیه

مشروط ۳ درصد از دیوان اشعار پروین را به خود

اختصاص داده است.

هاشمی، احمد (۱۳۸۰). *جواهرالبلاغه*. ترجمه محمود خرسندی و حمید مسجد سرایبی. تهران: انتشارات فیض.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: نشر هما.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). *چشمه روشن (دیداری با شاعران)*. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۱). *بیان (زیباشناسی سخن پارسی)*. تهران: نشر مرکز.

میرصادقی، میمنت (۱۳۷۹). *واژه‌نامه هنر شاعری، فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن*. چاپ دوم. تهران: کتاب مهناز.

نمینی، حسین (۱۳۶۲). *جاودانه پروین اعتصامی*. تهران: انتشارات کتاب فرزاد.

